

اسرائیل منطقه ی قفقاز؟ یا دوست استراتژیک ایران؟

محمد علی اصفهانی

۳۱ شهریور ۱۳۸۷

www.ghoghnoos.org

به همت تحلیلگران هوشیار و بیدار، امروز دیگر نقش آمریکا و اسرائیل و ناتو در حمله ی فجیع دولت گرجستان به مردم بی پناه اوستیای جنوبی، به صورت مستند و دقیق، افشا شده است. (۱)

بعد از ترجمه ی مقاله ی پروفیسور میشل شاسودووسکی، دیگر ضرورت چندانی به ورود مجدد به این مقوله نمی دیدم. اما با مشاهده ی پاره پی اظهار نظر ها و رهنمود های «راهبردی» دادن ها از طرف بعضی از صاحب نظران ایرانی و نیز «صاحب نظران» ایرانی (۲) فکر کردم که خوب است این بار در باره ی حمله ی گرجستان به اوستیای جنوبی، به آنچه یک روزنامه نگار بسیار معروف و کهنه کار آمریکایی که مطلقاً در طیف «چپ» - در معنای درست کلمه، یعنی در معنای فراگیر و عام کلمه ی «چپ» - قرار ندارد نوشته است نیز اشاره پی کنم.

Arnaud de Borchgrave هر چند با نگاهی گاه متفاوت، همچنان مثل همیشه متعلق به طیف راست روزنامه نگاران آمریکایی است.

او در اوایل دهه ی پنجاه میلادی، رییس دفتر هفته نامه ی آمریکایی نیوزویک در پاریس، و از نویسندگان اصلی این نشریه بوده است. با تعداد بی شماری از رهبران جهان دیدار و مصاحبه داشته است که شاید یکی از معروف ترین این مصاحبه ها مصاحبه ی او در زمان جنگ ویتنام با نخست وزیر کشور مورد تجاوز قرار گرفته ی ویتنام شمالی باشد.

Arnaud de Borchgrave در حال حاضر با رسانه های دست راستی آمریکایی مثل نیوزماکس و یا بعضی ارگان های محافظه کاران، و نیز خبرگزاری یونایتدپرس همکاری می کند.

گروه تحلیل گران De defansa (۳) نوشته ی اخیر او در باره ی بحران قفقاز را که

در نخستین روز های سپتامبر امسال به وسیله ی یونایتد پرس و میدل ایست تایمز منتشر شده است مورد بررسی قرار داده اند. و آنچه می خوانید نگاهی است به این نوشته ی او و تحلیل De defansa از این نوشته.

بنا به نوشته ی Borchgrave اسرائیل مطابق قراردادی پنهانی با دولت گرجستان، برای «حمله ی پیشگیرانه» به ایران، دو فرودگاه را در جنوب گرجستان، آماده سازی کرده بود تا از طریق آن فرودگاه ها به دلیل نزدیکی بودنشان به ایران، هواپیماهای بمب افکن خود را به آسمان ایران روانه سازد، و اینچنین به صورتی چشمگیر مشکلات مربوط به مسافت و نیز حریم های هوایی را کاهش دهد.

همین روزنامه نگار توضیح می دهد که حمله ی شبانه ی هفتم اوت دولت گرجستان به اوستیای جنوبی این امکان را به مسکو داد تا تأسیسات اسرائیل در گرجستان را بمباران کند و چند هواپیمای بدون خلبان اسرائیلی را هم به غنیمت بگیرد.

او همچنین اضافه می کند که هر چند به نظر می رسد که محور نظامی تل آویو - تغلیس محوری محکم و خلل ناپذیر باشد، از این پس توانایی نیروی هوایی اسرائیل به حمله از طریق گرجستان به ایران، زیر سؤال رفته است.

Arnaud de Borchgrave نشانه ها و جزئیات متعدد و فراوانی در مورد همکاری میان اسرائیل و دولت گرجستان از هفت سال پیش تا به امروز ارائه می کند. او می نویسد که ساکاشویلی که گرجستان را «اسرائیل قفقاز» می داند باور کرده بود که آمریکا او را تنها نخواهد گذاشت.

روزنامه نگار آمریکایی، به گزارش روزنامه ی اسرائیلی ژورنال پست اشاره می کند که مطابق آن، بعد از شکست گرجستان، مقامات اسرائیلی در پاسخ گله گزاری سفیر گرجستان در اسرائیل به او گفته اند که تل آویو بر مسکو فشار می آورد، و او جواب داده است که جای این نوع فشار ها مسکو نیست، بلکه واشنگتن است!

به نوشته ی Arnaud de Borchgrave نه آمریکا توانسته بود متوجه شود که

روسیه پیشاپیش خودش را برای یک پاسخگویی بی درنگ و در ابعاد وسیع آماده کرده است، و نه گرجستان.

ساکاشویلی از آنجا که دوهزار نفر از سربازان کشورش را به عراق اعزام کرده بود، اطمینان داشت که آمریکا به ازای این خدمت، پاداش مناسبی به او خواهد داد. او نمی توانست باور کند که جرج بوش به عنوان دوست خصوصی او، او را به هنگام شکست و درماندگی، به حال خود رها خواهد کرد.

تحلیل گران De defansa می نویسند که اگر سخنان Borchgrave قابل اعتماد باشد - و چنین اعتمادی با توجه به سوابق او منطقی به نظر می آید - چشم انداز بحران قفقاز ابعاد تازه پی خواهد یافت.

در این چشم انداز، دفاع اروپا از دولت گرجستان روز به روز دشوار تر خواهد شد. و این در حالی است که گرجستان، هم برای ورود رسمی به ناتو و هم برای ورود به اتحادیه ی اروپا بی تابی می کند.

شاید در آینده پی نزدیک، دیگر بعضی از اروپاییان، از فعال بودن روسیه در حاشیه ی گرجستان، ناخرسند نباشند.

از این پس با حضور روسیه در صحنه، استفاده از فرودگاه های گرجستان در حمله به ایران، برای اسرائیل ریسکی بزرگ در بر خواهد داشت.

پانویس ها

۱ - میشل شاسادووسکی: فریب نخوریم! آنچه رخ داد، یک جنگ داخلی نبود. آنچه رخ داد جزئی بود از یک کل به هم پیوسته: برپا کردن جنگی وسیع در خاورمیانه و در آسیای مرکزی، که جنگ آمریکا و اسرائیل و ناتو را علیه ایران آماده سازی می کند.

جنگ اخیر گرجستان را آمریکا و اسرائیل و ناتو برنامه ریزی کرده اند:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/georgie-chossodovsky.html>

۲ - بیانیه پی با عنوان «هشدار به ایرانیان»، به تاریخ ۲۴ شهریور، با تعداد قلیلی امضا، در ایران و در چندین سایت اپوزیسیون خارج از کشور منتشر شده است که

عملاً (خواسته یا ناخواسته) بر تجاوز دولت گرجستان به اوستیا مهر تأیید می زند. در این بیانیه، «رهنمود» هایی در باره ی سیاست های «راهبردی» هم به مردم ایران داده شده است. راقم این سطور در همان زمان انتشار این بیانیه، طی مقاله یی، بدون هیچ قصد بی حرمتی یی به امضا کنندگان، به نقد محتوای بیانیه پرداخت:

یک بیانیه ی ناسیونالیستی با حال و هوای مخصوص!

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/naghd-e-bayanieh-h.html>

۲ - De defansa را گروهی از تحلیلگران عمدتاً فرانسوی یا فرانسه زبان تشکیل داده اند که فیلیپ گراسه نویسنده ی معروف کتاب «جهان بیمار آمریکا» یکی از چهره های سرشناس آن هاست. برای مراجعه به سایت این گروه:

www.dedefensa.org

ضمناً شاید اشاره به این امر بدیهی، ضروری باشد که سخن گفتن از تجاوز یک دولت دست نشانده ی آمریکا و اسرائیل به مردم بخشی از کشور خودش، و نقش روسیه در مقابله با این حرکت، نه به معنای تأیید سیاست های روسیه است، و نه به معنای دعوت به حمایت از «بلوک شرق» در برابر «بلوک غرب». کدام بلوک شرق؟ کدام بلوک غرب؟ به قول کتاب درسی کلاس اول قدیمی تر از ما ها: ای بابا! ای بیچاره! کی آمدی؟ خرابه های ری، نزدیک تهران است!